

در دفاع از کمونیزم

(بخش پنجم)

از ماه اوت ۲۰۰۰ یعنی از زمانی که جمعی از کادرها و اعضاء حزب کمونیست ایران به رهبری عبدالله مهتدی با عدم شرکت در کنگره نهم سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) اعلام انشعاب کردند و با برپایی کنفرانسی به نام " کنفرانس بازسازی کومه له " شروع به فعالیت نمودند حدوداً ۸ ماه گذشته است. بخش های اول تا چهارم نوشته در دفاع از کمونیزم مربوط به ماه های اول و دوم فعالیت انشعاییون و در واقع تبیینی است که بر مبنای قطعنامه ها و اسناد منتشرشده آنان تا آن تاریخ ارائه شده. از آن موقع تاکنون انشعاییون تبیینی غیر از آنچه که در این اسناد آمده (رئوس یک بررسی انتقادی از تجربه حزب کمونیست ایران و نقش و موقعیت کومه له در جنبش کردستان) در مورد دلایل بن بست چپ در ایران (واز جمله حزب کمونیست) ارائه نداده اند و خطوط اصلی تحولات سیاسی بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ را از دیدگاه خودشان روشن نکرده اند، اما نه بصورت " روشن و اثباتی " بلکه بصورت لاک پشتی و در حاشیه برنامه های رادیویی و جشن های مربوط به برگزاری روز کومه له (کومه له تازه تأسیس شده) و مصاحبه آقای عبدالله مهتدی با رادیو بین المللی فرانسه، پلاتفرم خودشان را در مورد جنبش انقلابی خلق کرد در کردستان ایران ارائه داده اند و با ارائه تلویحی این پلاتفرم حضرات انشعاییون از کومه له بالاخره نشان دادند که الحق والانصاف جناح چپ ناسیونالیزم کرد هستند. من سعی می کنم در این بخش، برای اثبات نظراتم به چند نکته اشاره نمایم :

۱- رادیو انشعاییون که " ده نگی کومه له " نامید می شود و روزانه نیم ساعت به زبان کردی و ۱۵ دقیقه به زبان فارسی برنامه پخش می کند، از زمان تأسیس تاکنون به تریبون آزاد دشمنی با کمونیزم تبدیل شده و دبیرکل سابق حزب کمونیست ایران (آقای مهتدی) با افتخار اجازه می دهد از این تریبون علیه کمونیزم و علیه حزب کمونیست ایران، حزبی که ایشان جوانی اش را صرف ساختن آن نمود، بد و بیراه بگویند و در این مدت ما شاهد بودیم که از زبان نه انسان های سیاسی و متعارف درون مبارزه " کردایه تی " بلکه از زبان لمپن های درون این مبارزه، حزب کمونیست و مبارزین کمونیست مورد اهانت و بی حرمتی قرار گرفتند.

۲- رادیو انشعاییون برای اعلام وفاداری به جمهوری خودمختار مهاباد، از حزب دمکرات کردستان ایران پیشی گرفت و چند روز از برنامه خود را به آن اختصاص داد و به همین بهانه تجلیل از لنین و یاد رهبر کمونیست انقلاب اکتبر را که مصادف با این روز بود (دوم بهمن سالروز مرگ لنین) به فراموشی سپرد.

۳- جشن هایی که از طرف آنان به مناسبت بزرگداشت روز کومه له برگزار شده در اغلب جاها به صحنه اعلام وفاداری به ناسیونالیزم تبدیل شده و شرکت کنندگان بی طرفی که حضور در جشن های انشعاییون و

جشن‌های برگزاری مراسم روز کومه‌له و از جانب سازمان کردستان حزب را ملاک قضاوت قرار داده بودند، به خوبی و به سهولت تشخیص دادند، کدام سازمان وارث سیاست‌های سوسیالیستی و کارگری کومه‌له و کدام سازمان وارث مضمون انقلابی و سوسیالیستی جنبش خلق کرد در کردستان ایران و کدام سازمان وارث تلاش برای پیوند طبقاتی کارگران کردستان و کارگران سراسر ایران است.

۴_ آقای عبدالله مهتدی روز یکشنبه ۳۰ بهمن ماه ۱۳۷۹ در مصاحبه با بخش فارسی رادیو بین‌المللی فرانسه، بعد از ۸ ماه انشعاب از کومه‌له و حزب کمونیست ایران (صرف نظر از اینکه کاملاً غیرمسئولانه خود را دبیرکل کومه‌له معرفی کرد، در حالی که انشعاییون حتی کنگره‌ای نگرفته و فاقد برنامه و اساسنامه هستند و آقای مهتدی در طول ۱۵ سال گذشته حتی عضو کمیته مرکزی کومه‌له هم نبوده) و در تلاش برای قاپیدن رهبری جنبش کردستان از چنگ " حزب دمکرات " ناگهان " سیاست روشن و اثباتی " خود را که قبلاً وعده داده بود در مورد حل مسئله ملی تحت عنوان " فدراسیون دمکراتیک " اعلام می‌دارد.

مانیفست عبدالله مهتدی، سرانجام بعد از ۸ ماه، در مخالفت با سیاست‌های حزب کمونیست ایران و کومه‌له، البته نه بطور کامل، اما واضح و مختصر در این مصاحبه بیان شده است. راه حل مسئله ملی در کردستان ایران از نظر عبدالله مهتدی این است که کردستان بصورت یک فدرال در بطن ایران دمکراتیک اداره شود.

در این مانیفست، نقطه نظر به اصطلاح اثباتی آقای مهتدی تنها مربوط به حل مسئله ملی در کردستان ایران نیست، بلکه پیداست این نقطه نظر " اثباتی " من حیث المجموع، نقطه نظر ایشان است در مورد انقلاب آتی ایران! نقش طبقه کارگر در این انقلاب و وظایف کمونیست‌های ایران در رویارویی با این انقلاب!

هرچند که مصاحبه با رادیو فرانسه سرآغاز ایده‌های عبدالله مهتدی است، اما بعقیده من ایشان یک گرایش فکری معین را نمایندگی می‌کند و این گرایش از لحاظ نظری تجدیدنظر در مارکسیزم و از لحاظ سیاسی بی‌باوری به طبقه کارگر و انقلاب سوسیالیستی است. به عبارت دیگر، جریان عبدالله مهتدی عملاً به قطب و ملجأ نوع معینی از پشیمانی سیاسی از سوسیالیزم و کمونیزم تبدیل شده. شکاکیت در به قدرت رسیدن طبقه کارگر، عبدالله مهتدی را که روزی چهره شناخته شده مبارزه علیه پوپولیسم و رویاوری به مارکسیزم انقلابی بود، امروز دوباره به پوپولیست سرگردانی بدل کرده که راه نجات کارگران و توده‌های مردم ایران را نه در انقلاب سوسیالیستی و حکومت کارگری، بلکه از لحاظ نظری واقعاً به سال‌های قبل از کنگره دوم کومه‌له رجوع پیدا کرده و پیوند فکری خود را به مقوله انقلاب دمکراتیک چفت زده و مجدداً به ورطه پوپولیسم افتاده است. مبانی فکری جدید عبدالله مهتدی " رنج " ایشان است. از کافی نبودن رشد سرمایه داری در کردستان. ایشان بدون اینکه حتی یکبار در سراسر مصاحبه خود با بخش فارسی رادیو فرانسه، از بی حقوقی کارگران و زحمتکشان کردستان

صحت کرده باشد، توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی را نه در سوسیالیسم و انقلاب کارگری بلکه در رشد سرمایه داری و به اصطلاح انقلاب بورژوا - دمکراتیک می داند.

آقای مهتدی ناگفته ضرورت انقلاب سوسیالیستی را منتفی می داند و با انشعاب از کومه له، عملاً وظیفه خود را در زمینه کار و فعالیت برای تدارک انقلاب کارگری و نابودی سرمایه داری از دستور خارج کرده و در عوض دست دوستی و مودت به درگاه بورژوازی دراز کرده و خواهان هم سویی و برادری بورژوازی در ایران دمکراتیک و فدراتیو می شود.

اگرچه یک مصاحبه ۱۵ دقیقه ای رادیویی، کافی نیست برای اینکه ما به همه زوایای گسست فکری عبدالله مهتدی از مارکسیسم و مطالبات سوسیالیستی و کمونیستی وی پی ببریم، اما ایشان در همین مصاحبه کوتاه آنچنان خود را در چهارچوب تنگ فدراتیو و مطالبات بورژوا - دمکراتیک محصور می بیند که ناچار است، نه مانند کومه له مدافع کارگران کردستان، بلکه مانند کسی که مدافع راه حل بورژوازی، مدافع صنعتی شدن، مدافع رشد نیروهای مولده، مدافع راه رشد سرمایه داری و نظایر آن است ظاهر می شود.

شعار " فدراسیون دمکراتیک " عبدالله مهتدی از لحاظ اقتصادی دارای همان مضمونی است که ۱۷ سال قبل تحت عنوان " بحث کوتاهی در مورد سوسیالیسم " توسط حزب دمکرات کردستان ایران بتصویب رسید. این سیاست ممکن است از لحاظ گسست از کمونیست و سیاست های کمونیستی کومه له روشن و اثباتی باشد، اما از لحاظ رفع ستم ملی از دیدگاه طبقه کارگر ارتجاعی و غیر کارگری است.

راه حلی که پاسخگوی نیازهای تکامل اجتماعی است و راه حلی که پاسخگوی رفع ستم ملی است، راه حلی است که طبقه کارگر ایران را به قدرت سیاسی رهنمون می کند. راه حلی است که کینه و نفرت ناشی از تعصبات قومی و ملی و مذهبی را می زداید و با انسان همانند انسان رفتار می کند، دور از رنگ و نژاد و ملیت و مذهب. این راه حل برای کومه له سوسیالیسم است. این راه حل برای کومه له حکومت کارگری است.

عبدالله مهتدی حق دارد، هرطور که می خواهد فکر کند. حق دارد هر سازمان و حزبی که می خواهد تشکیل دهد. حق دارد هر سیاستی را که مناسب می داند به عنوان سیاست روشن و اثباتی خود برای حل مسئله ملی در کردستان ایران عنوان کند، اما حق ندارد به نام کومه له بانی و مروج ایده های ارتجاعی و بورژوازی باشد. کومه له همواره انقلاب ضروری و ممکن در ایران را انقلاب سوسیالیستی و کارگری ارزیابی کرده و برای تحقق آن مبارزه کرده است.

انقلابی بودن جنبش خلق کرد در مضمونی است که مبارزات کارگری و سوسیالیستی به آن بخشیده است و تفاوت کومه له ای که ۲۲ سال در این جنبش مبارزه کرده با کومه له ای که مهتدی مدعی برپایی آن است، در استراتژی پیروزی این جنبش است.

عبدالله مهتدی در این مصاحبه به وضوح نشان می دهد که امیدی به طبقه کارگر کردستان ندارد و به زعم خودش با پیش کشیدن " سیاست روشن و اثباتی " حل مسئله ملی با " فدراتیو دمکراتیک " شرایط صنعتی شدن و رشد نیروهای مولده فراهم می شود و حتماً متعاقباً برنامه کومه له تازه تأسیس را برای تداوم مبارزه و تحقق سوسیالیسم بعد از تأسیس ایالات فدرال کردستان اعلام خواهد کرد و این در شرایطی است که اعتقاد کومه له بعد از کنگره دوم تاکنون، همواره این بوده که شرایط اقتصادی و اجتماعی برای آنکه طبقه کارگر کردستان بتواند دوش به دوش طبقه کارگر ایران در جریان یک بحران انقلابی قدرت سیاسی را به دست بگیرد آماده است.

وجود بحران های عمیق اقتصادی و سیاسی و اجتماعی شدیدی که موجب بحران حکومتی شده، وجود طبقه کارگر در کردستان و ایران به مثابه طبقه اصلی استثمارشونده، شکل گیری و گسترش مبارزات اعتراضی و خودبخودی کارگران و دخالت عملی آنان در بحران های سیاسی و اجتماعی، عدم کفایت اپوزیسیون بورژوازی رژیم جمهوری اسلامی، رادیکالیسم روبه رشد توده های به ستوه آمده مردم و مبارزات جوانان و دانشجویان، همه دال بر این است که کومه له و حزب کمونیست ایران باید مدعی انقلاب کارگری و سوسیالیستی باشد و تنها راه حل رفع ستم ملی این است که کارگران و توده های انقلابی مردم کردستان آزادانه سرنوشت خودشان را تعیین کنند.

فرمول پیشنهادی عبدالله مهتدی " فدراسیون دمکراتیک " برای حل مسئله ملی در کردستان از لحاظ مضمون اقتصادی همان " بحث کوتاه حزب دمکرات کردستان ایران درباره سوسیالیسم " است و از لحاظ سیاسی تلاشی است که آقای مهتدی و حزب دمکرات و اصلاح طلبان طرفدار خاتمی در کردستان، توأمأً برای حذف مطالبات کارگران و زحمتکشان کردستان و منزوی کردن گرایش رادیکال و سوسیالیستی در کردستان انجام می دهند.

۵- سرانجام آقای عبدالله مهتدی بند ناف حل مسئله ملی کردستان ایران را با فدرالیسم می بندد و به خیال خودش با این به ظاهر ابداع خارق العاده، گامی در جهت عدم تمرکز قدرت و دمکراتیزه کردن سیستم اداری ایران برداشته است.

ایشان با بیان اینکه ایران یک کشور کثیرالملله و وسیع است و تمرکز قدرت سیاسی در این کشور، مخصوصاً از زمان روی کار آمدن رضاخان همواره موجب بسط و توسعه دیکتارتوری بوده است، فرمول خود را برای گریز از تمرکز قدرت و در نتیجه افزایش دمکراسی " فدراسیون دمکراتیک " عنوان می کند.

برای هواداران خط عبدالله مهتدی شاید این ابهام پیش آمده که ایشان در مقابل سؤال مصاحبه کننده رادیو فرانسه که می پرسد : " آقای مهتدی شما از لحاظ سیاسی چه پروژه ای برای توسعه کردستان دارید؟ " برخلاف تمام باورهای تاکنونی اش و فقط با شوخی آلترناتیو " فدراتیو " را مطرح کرده، وگرنه ایشان جهان وطن است و همواره شعار کارگران جهان متحد شوید! را سرلوحه مبارزه خود کرده و نه تنها مطمئن است که شعار فدرالیسم در ایران متضمن گسترش آزادی های سیاسی و اجتماعی، اقوام و ملل ایران نیست!! بلکه می داند این شعار کارگران

و توده های مردم ایران را متفرق می کند!!

اما به زودی هواداران ایشان متوجه می شوند که نه! این تصورات کج خیالی است و " فدراسیون دمکراتیک " یعنی عدم تمرکز قدرت، یعنی دمکراسی، بنابراین این ها نباید برای کارگران و زحمتکشان که خواهان دمکراسی هستند زیان آور باشد! تازه عبدالله مهتدی با این آلترناتیو بدیع نه تنها راه حل مسئله ملی در کردستان ایران را پیدا کرده بلکه مسئله ملی سایر ملت ها و اقوام ساکن ایران را نیز بدینوسیله حل کرده است!

و بالاخره همین هواداران، کلی از رهبرشان سپاسگزارند که با این مصاحبه کوتاه فصل تازه ای از مبارزات خلق کرد در کردستان ایران گشوده و با این ابتکار گره کور مسئله ملی را در کردستان ایران باز کرده است! طرح شعار " فدراسیون دمکراتیک " از جانب عبدالله مهتدی صرف نظر از اینکه هواداران خط وی و جناح چپ ناسیونالیسم کردستان چه استنباطی از آن دارند شعاری راست روانه و غیرکارگری است زیرا:

اولاً: شعار " فدراسیون دمکراتیک " را می توان با شعار جمهوری اسلامی در قیام ۵۷ مقایسه کرد. اگرچه انقلاب ۵۷ قیام توده های به جان آمده مردم علیه رژیم دیکتاتوری پهلوی بود اما استفاده ابزاری از اسلام توسط روحانیت شیعه برای بسیج و تهیج توده های مردم، موجب شد که سال ها جنون و جهالت مذهبی بر جامعه حکمفرما باشد و از آن تاریخ تاکنون میلیون ها انسان فدای این جهالت شده اند.

" فدراسیون دمکراتیک " یعنی جانشین کردن جهالت قومی به جای جهالت مذهبی، یعنی تقسیم طبقه کارگر ایران به کارگر ترک و کرد و عرب و بلوچ و ...، یعنی زنده کردن عرق قومی و ملی.

ثانیاً: عبدالله مهتدی در شرایطی شعار " فدراسیون دمکراتیک " را مطرح می کند، که چنین خواستی مطلقاً در میان مردم وجود ندارد؛ هیچ جنبشی در جامعه که دارای چنین مطالباتی باشد به ثبت نرسیده؛ هیچ نشانی از وجود تقابل و تعارض ملل و اقوام، در میان ملل ساکن ایران دیده نمی شود و چنین خواستی در هیچ مقطعی از تاریخ معاصر ایران مطرح نبوده است.

ثالثاً: ممکن است طرح شعار " فدراسیون دمکراتیک " در عراق باتوجه به وضعیت عمومی جنبش کارگری و کمونیستی عرق و ملل درگیر در منازعه " فقط کرد و عرب " و " تجربه اتونومی " که نتوانسته توفیق چندانی داشته باشد، بتواند شعار مناسبی برای آینده کردستان عراق باشد، اما در مورد ایران این شعار دقیقاً به معنای تقسیم قومی مردم ایران و اعطاء هویت ملی و قومی به میلیون ها انسان است که خودشان هیچگونه ادعایی بر آن ندارند.

رابعاً: شعار " فدراسیون دمکراتیک " به طور واقعی آب به آسیاب قومیت و ملیت می ریزد و اداره ایالت های فدرال توسط حکومت هایی برمبنای هویت، ملی و قومی را برای توده های مردم تدارک می بیند، درحالی که تلاش کمونیست ها صرف نظر از اینکه در چه موقعیت و مقامی هستند (از لحاظ نفوذ اجتماعی) باید تلاش برای

برقراری یک نظام سیاسی و اداری سکولار غیرقومی و غیرمذهبی باشد که در آن برابری حقوقی توده های مردم مستقل از قومیت و جنسیت و نژاد و مذهب و اعتقادات تضمین شود.

خامساً: در رابطه با طبقه کارگر در کردستان و شرکت و فعالیت آنان در جنبش انقلابی خلق کرد ما سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) خواهان حق تعیین سرنوشت هستیم. به این معنی که ما نمی خواهیم از همین حالا شکل اداری، اداره کردستان را در قالب های ملی و قومی و به اراده و بنابه منافع سازمانی خودمان بر مردم و کارگران تحمیل نماییم.

اگرچه حق تعیین سرنوشت، اختیار و اراده توده های مردم کردستان را تا جدایی و تشکیل دولت مستقل به رسمیت می شناسد اما کارگران کمونیست کردستان همواره تلاش کرده اند، حق تعیین سرنوشت را به معنی و مفهوم برابری و متساوی الحقوق بودن توده های مردم کردستان با سایر اقوام و ملت های ایران تعبیر و تفسیر نمایند. شعار "فدراسیون" با هر پسوندی مادام از دهان کارگران کردستان بیرون بیاید معنی و مفهوم ملی پیدا می کند و اداره کردستان را برمبنای اصالت ملی و کردبودن مردم کردستان تداعی می کند. بنابراین شعار "فدراسیون" شعار کارگران مبارز کردستان نیست و آنان خواهان هم سرنوشتی کامل با سایر کارگران ایران هستند.

شعار "فدرالیزم" شعار کومه له نیست. شعار جناح چپ ناسیونالیزم کرد است.

محمد نبوی

۲۰۰۱ / ۳ / ۱